

ترجمان خواندن

# اعترافات یک کتابخوان معمولی

آنه فدیمن

ترجمه محمد معماریان



ترجمان علوم انسانی

## فهرست

- ۱۱ سخن ناشر  
۱۳ یادداشت مترجم  
۱۵ پیشگفتار  
۱۹ تقدیر و تشکر
- [۱] وصلت کتابخانه‌ها ۲۳  
[۲] لذت درازآلودگی ۳۱  
[۳] طبقهٔ عجیب کتابخانه‌ام ۴۱  
[۴] غزل را تمسخر نکن ۴۹  
[۵] با یک کتاب هرگز چنین کاری نکنید ۵۷  
[۶] زنانگی حقیقی ۶۵  
[۷] کلمات روی یک صفحهٔ خالی ۷۳  
[۸] تو آنجایی! ۸۱  
[۹] مسئلهٔ His'er ۸۹  
[۱۰] درج کدو ۹۷  
[۱۱] جوهر ابدی ۱۰۵  
[۱۲] شکم چران ادبی ۱۱۳  
[۱۳] زیر آسمان چیز جدیدی نیست ۱۲۱  
[۱۴] امر کاتالوگی ۱۲۷  
[۱۵] قلعه‌های اجدادی من ۱۳۷  
[۱۶] شریک شدن در کتک‌کاری ۱۴۵  
[۱۷] امپراتوری کتاب‌های جناب نخست‌وزیر ۱۵۵  
[۱۸] نثر دست‌دوم ۱۶۳
- پیشنهادهایی برای مطالعه ۱۷۱  
پی‌نوشت‌ها ۱۷۵



## پیشگفتار

خواهران جان مک‌گاران<sup>۱</sup>، نویسنده ایرلندی، وقتی خردسال بود، هنگامی که کتاب می‌خواند، بند یکی از کفش‌هایش را باز کردند و آن را از پایش درآوردند؛ از جایش تکان نخورد. یک کلاه حصیری روی سرش گذاشتند؛ واکنشی نشان نداد. فقط وقتی صندلی چوبی‌ای که رویش نشسته بود را از زیر پایش کشیدند، به تعبیر خودش، «از کتاب بیدار شد».

«بیدار شدن» درست‌ترین فعل در اینجا است، چون بعضی بچه‌ها از کتاب مثل یک خواب عمیق بیدار می‌شوند: شناکانان از چندین و چند لایه آگاهی می‌گذرند تا به واقعیتی برسند که، در مقایسه با وضعیت رؤیاگونی که پشت سر گذاشته‌اند، چندان هم واقعی به نظر نمی‌آید. من از این جنس بچه‌ها بودم. در دوره نوجوانی، با الهام از هاردی<sup>۲</sup>، در هر نوبت عاشقی‌ام، پسران رایه دامون و کلیم<sup>۳</sup> تقسیم‌بندی می‌کردم. بعد از آن هم، کنار هم‌سر (مردی از جنس کلیم) بر بستری لم می‌دهم که گوشه‌کنارش پُر از کتاب است؛

1. McGahern

2. Thomas Hardy: رمان‌نویس و شاعر انگلیسی (۱۹۲۸ تا ۱۸۴۰).

3. Damon and Clym: دو شخصیت رمان بازگشت قهرمان بومی (The Return of the Native) اثر توماس هاردی. توماسین، زن جوان و معمولی این داستان، در ابتدا دل به دامون می‌بندد؛ مهندس ناکامی که همان‌خانه دار شده است و با او ازدواج می‌کند؛ اما بعد از او جدا شده و با کلیمت (کلیم) وصلت می‌کند: تاجر موفق الماس که به شهرش بازگشته تا آموزگار فقرا و بی‌خبران شود، و همانی است که «بومی» در عنوان کتاب به او اشاره دارد [مترجم].



با این امید که به دنیا آمدن بچه اولم شبیه به صحنه تولد کیتی<sup>۱</sup> در آن کارنینا<sup>۲</sup> باشد، اما نگران از آنکه به وضع حمل خانم تینگامی<sup>۳</sup> در اولیور توئیست<sup>۴</sup> شبیه تر شود. زمانی نوشتن این کتاب را آغاز کردم که متوجه ماجرای عجیب شدم: اغلب وقتی درباره کتاب‌ها چیزی می‌نویسند، انگار آن‌ها را شبیه دستگاه نان پرشته‌کن می‌بینند: این مدل دستگاه بهتر است یا آن مدل؟ آیا این دستگاه ۲۴,۹۵ دلار می‌ارزد؟ دیگر درباره اینکه ده سال دیگر چه حسی نسبت به دستگاه جدیدم دارم، یا چه حس لطیفی ممکن است نسبت به دستگاه قدیمی‌ام داشته باشم، نکته خاصی نمی‌شود گفت. در این نگاه که خواننده را یک جور مصرف‌کننده می‌بیند (نگاهی که خودم نیز در چندین و چند مرور کتاب همدستش بوده‌ام)، خیلی راحت چیزی را نادیده می‌گیرند که به نظرم بطن کتاب خوانی است: نه میل به خرید یک کتاب جدید، بلکه نحوه حفظ رابطه‌هایمان با کتاب‌های قدیمی‌مان، که سال‌ها با آن‌ها زندگی کرده‌ایم، که بافت و رنگ و بویشان مثل پوست بچه‌هایمان برایمان آشنایند.

ویرجینیا وولف<sup>۵</sup> در زمان کتاب خوان معمولی<sup>۶</sup> (که عنوانش را از سطری از زندگی گری<sup>۷</sup> اثر ساموئل جانسون<sup>۸</sup> وام گرفته است) از «همه آن اتاق‌هایی» نوشت که «محرقرتر از آن‌اند که کتابخانه نام بگیرند، اما پُر از کتاب‌اند، جایی که مردم عادی پیگیر خواندن می‌شوند». او گفت کتاب خوان معمولی «با منتقد و پژوهشگر فرق دارد. کمتر تحصیل کرده و طبیعت چندان استعدادی به او عطا نکرده است. او برای لذت خود می‌خواند، نه برای کسب معرفت یا تصحیح نظرات دیگران. فراتر از همه این‌ها، با این گزینه پیش می‌رود که با خُرده‌پاره‌هایی که سرراهش قرار می‌گیرند، کلیتی خلق کند». این کتاب کلیتی است که سعی کرده‌ام از هزاران خُرده‌پاره تلنبار در طبقات کتابخانه‌ام خلق کنم.

من این هجده یادداشت را ظرف چهار سال نوشتم. یادداشت‌ها در اینجا به ترتیب نگارششان آمده‌اند، به جز دو مورد آخر که جایشان با هم عوض شده است. به واقعیت‌های روایت شده در این یادداشت‌ها دست نزده‌ام: مثلاً وقتی درباره ویلیام کانسلرا می‌نویسم او زنده بود، پس در این صفحات هم زنده است. در طول آن سال‌ها پسر من به دنیا آمد، دخترم خواندن یاد گرفت، من و همسر من چهار ساله شدیم، مادرم هشتادساله شد، پدرم نودساله شد، اما کتاب‌هایمان، حتی آن‌ها که بیش از تولدمان چاپ شده بودند، تکان نخوردند. آن‌ها گذر زمان را ضبط و ثبت کردند و چون یادآور همه دفعات خواندن و بازخوانی‌شان بودند گذر چندین دهه را منعکس می‌کردند.

کتاب‌ها داستان زندگی‌مان را نوشتند و، با تلنبار شدن روی طبقات کتابخانه او روی طاقچه و زیر کاناپه و بالای یخچال)، خود به فصل‌های این داستان تبدیل شدند، که نمی‌توانست جزاین هم باشد.

آنه قدیمن

1. Kitty
2. Anna Karenina
3. Mrs. Thingummy
4. Oliver Twist
5. Virginia Woolf
6. The Common Reader
7. Life of Gray
8. Samuel Johnson